

مکاشفه عیسی مسیح - شماره هفت

سومین وای و برآمدن پادشاهی هفتم: اهمیت نبوی قانون یکشنبه

Jeff Pippenger

2023-10-29

در فصل یازدهم مکاشفه، آن دو شاهد در «همان ساعت» به آسمان برداشته می‌شوند تا همچون علمی باشند، همان زمانی که «یک‌دهم شهر» فرو می‌افتد. در آن ساعت، «وای دوم گذشت؛ و اینک وای سوم به‌زودی می‌آید.» اسلام همان شیپور هفتم و وای سوم است که در «ساعت» «زلزله»ی قانون یکشنبه فرا می‌رسد.

و آنان آوازی عظیم از آسمان شنیدند که به ایشان می‌گفت: «به اینجا برآیید.» پس در ابری به آسمان صعود کردند، و دشمنانشان ایشان را دیدند. و در همان ساعت زلزله‌ای عظیم روی داد، و یک‌دهم شهر فرو ریخت، و در آن زلزله هفت هزار تن از مردم کشته شدند؛ و باقی‌ماندگان هراسان شدند و خدای آسمان را تمجید کردند. وای دوم گذشت؛ و اینک وای سوم به‌زودی می‌آید. و فرشته هفتم نواخت؛ و در آسمان صداهای عظیمی برخاست که می‌گفتند: «پادشاهی‌های این جهان از آن خداوند ما و مسیح او گردیده است، و او تا ابدالآباد سلطنت خواهد کرد.» و آن بیست‌وچهار پیر که بر کرسی‌های خود در حضور خدا نشسته بودند، بر روی درافتاده، خدا را پرستش کردند، و گفتند: «تو را سپاس می‌گوییم، ای خداوند خدای قادر مطلق، که هستی و بودی و می‌آیی؛ زیرا قدرت عظیم خود را برگرفته‌ای و سلطنت کرده‌ای. و امت‌ها خشمگین شدند، و غضب تو فرا رسیده است، و زمان مردگان که داوری شوند، و تا پاداش دهی بندگان خود، انبیا و مقدسان و آنان را که از نام تو می‌ترسند، خرد و بزرگ، و تا هلاک سازی آنان را که زمین را هلاک می‌سازند.» و هیکل خدا در آسمان گشوده شد، و در هیکل او صندوق عهد او دیده شد؛ و برق‌ها و صداها و رعد‌ها و زلزله و تگرگی عظیم پدید آمد. مکاشفه ۱۱:۱۲-۱۹.

دو شاهد در ابری به آسمان صعود می‌کنند؛ ابری که از نظر نبوی نمایانگر گروهی از فرشتگان است. همان‌گونه که پیش‌تر در این مقالات نقل شد و در جداول حقیق نیز آمده است، خواهر وایت تصریح می‌کند که هنگامی که پیام‌های منفردی که به‌صورت فرشته اول، دوم و سوم نمایش داده شده‌اند، وارد تاریخ نبوی می‌شوند، به‌صورت فرشتگانی منفرد به تصویر کشیده می‌شوند؛ اما پیام فریاد نیمه‌شب با فرشتگان بسیار نمایش داده می‌شود. دو شاهد، در حالی که پیام فریاد نیمه‌شب را به‌وسیله لشکری از فرشتگان اعلام می‌کنند، به آسمان برداشته می‌شوند؛ از این‌رو ایشان «در ابری» به آسمان برده می‌شوند.

«نزدیک به پایان پیام فرشته دوم، دیدم که نوری عظیم از آسمان بر قوم خدا می‌تابید. پرتوهای این نور همچون خورشید درخشان می‌نمود. و صدای فرشتگانی را شنیدم که ندا می‌دادند: «اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید!»»

«این همان فریاد نیمه‌شب بود که می‌بایست به پیام فرشته دوم قدرت ببخشد. فرشتگانی از آسمان فرستاده شدند تا مقدسان دلسرد را بیدار سازند و ایشان را برای کار عظیمی که در پیش داشتند آماده کنند. بااستعدادترین مردان نخستین کسانی نبودند که این پیام را دریافت کردند. فرشتگان نزد فروتنان و فداکاران فرستاده شدند و آنان را برانگیختند تا این ندا را بلند کنند: «اینک، داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون آیید!» آنان که این فریاد به ایشان سپرده شده بود، شتاب کردند و در قدرت روح‌القدس پیام را اعلام نمودند و برادران دلسرد خود را بیدار ساختند. این کار بر حکمت و دانش انسان‌ها استوار نبود، بلکه بر قدرت خدا؛ و مقدسان او که این فریاد را شنیدند،

نتوانستند در برابر آن مقاومت کنند. روحانی‌ترین افراد نخست این پیام را دریافت کردند، و آنان که پیش‌تر در این کار پیشوا بودند، از آخرین کسانی بودند که آن را پذیرفتند و به بلندتر شدن این ندا یاری رساندند: «اینک، داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون آیید!»¹ Early Writings, 238.

در ساعت زلزله، که یک‌دهم شهر را ویران می‌سازد، هفت‌هزار مرد کشته می‌شوند. این زلزله همان قانون یکشنبه در ایالات متحده است. در نبوت، شهر به معنای یک پادشاهی است، و ایالات متحده یک‌دهم پادشاهی ده پادشاه مذکور در مکاشفه ۱۷ است. ایالات متحده در زلزله قانون یکشنبه سرنگون می‌شود و دیگر ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس نیست؛ و سپس به برترین پادشاه از ده پادشاه، یعنی هفتمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، ارتقا می‌یابد، که موافقت خواهند کرد پادشاهی خود را به پایتخت، که هشتمین است و از آن هفت می‌باشد، واگذار کنند.

एक साथ के पशु उस वे परन्तु; पाया नहीं राज्य तक अब जनिहोने, है राजा दस, देखे ने तू जो सींग दस वे और और सामर्थ्य अपनी और, है के मन ही एक ये है। करते प्राप्त अधिकार समान के राजाओं लयि के घड़ी प्रभुओं वह क्योंकि; पाएगा जय पर उन मेम्ना और, करेंगे युद्ध वरिद्ध के मेम्ने ये देंगे। दे को पशु उस शक्ति फरि है। विश्वासयोग्य और, हुए चुने, हुए बुलाए वे, है साथ उसके जो और; है राजा का राजाओं और प्रभु का भाषाएँ और, जातियाँ और, भीड़ें और, लोग वे, है बैठी वेश्या वह जहाँ, देखे ने तू जो जल वे, कहा से मुझ उसने ,देंगे कर नंगी और उजाड़ उसे और, रखेंगे बैर से वेश्या उस वे, देखे पर पशु उस ने तू जो सींग दस वे और है। वे कि है दिया डाल यह में मन उनके ने परमेश्वर क्योंकि देंगे। जला से आग उसे और, खाएँगे मांस उसका और वचन के परमेश्वर कतिक जब, दे दे को पशु उस राज्य अपना होकर मत एक और, करे पूरा को इच्छा उसकी है। करता राज्य पर राजाओं के पृथ्वी जो, है नगर महान वही, देखा ने तू जसि, स्त्री वह और जाएँ। हो न पूरे 17:12-18. परकाशतिवाक्य

ده پادشاه سازمان ملل «متفق می‌شوند» که «پادشاهی» جهانی خود را «به وحش بسپارند». ایشان «یک رأی» دارند، همان‌گونه که در مزمور هشتاد و سه «با یکدل مشورت کردند». آخاب پادشاه ده سبط بود که در اشعیا بیست و سه مرتکب رابطه نامشروع زنا با فاحشه صورت داد. رابطه نامشروع آخاب و ایزابل، نمود تمثیلی رابطه نامشروع هیرودیس و هیروдіا در زمان ایلیا بود، آن‌گونه که در هیئت یحیی تعمیددهنده نمایان شد. هیرودیس نماینده‌ای از امپراتوری روم بود، و در دانیال هفت، امپراتوری روم از ده شاخ تشکیل شده است. آن ده شاخ به واسطه پادشاهی ده سبطی آخاب به صورت نمونه پیش‌نمایانده شدند، و هر دو بر ده پادشاه سازمان ملل شهادت می‌دهند. از آن‌جا که آخاب و هیرودیس در آن روابط نامشروع نمایندگان حکومت بودند، نقش ایشان آن بود که برای فاحشه صورت، که در پایان هفتاد سال نمادین سروده‌های خود را می‌خواند، آزار بدعت‌گذاران را به انجام رسانند.

«پادشاهان و حاکمان و فرمانروایان، نشانِ ضدّ مسیح را بر خود نهاده‌اند، و به‌صورتِ اژدهایی تصویر شده‌اند که می‌رود تا با مقدسین—با آنان که احکام خدا را نگاه می‌دارند و ایمان عیسی را دارند—جنگ کند.» Testimonies to Ministers, 38.

به هنگام قانون یکشنبه، وحش زمینی از سلطنت به عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس باز می‌ایستد، زیرا به تازگی با ایزابل زنا کرده است، و سپس رهبری سازمان ملل متحد را به دست می‌گیرد. آنگاه تمام جهان را وادار می‌سازد تا تصویری جهانی از وحش برپا کنند، همان‌گونه که پیش‌تر در قانون یکشنبه در ملت خود آن را به انجام رسانده بودند.

वालों रहने पर पृथ्वी, थी गई दी सामर्थ्य की दखाने सामूहने के पशु उसे जनिहें, द्वारा के चनिहों उन वह और से घाव के तलवार जो, बनाएं मूरत एक की पशु उस वे कहैं कहता से वालों रहने पर पृथ्वी और, है भरमाता को पशु ताकि, गई दी सामर्थ्य की डालने प्राण में मूरत की पशु उस उसे और रहा। जीवति तौभी, था हुआ घायल वह और जाएं। डाले मार सब वे, करें न उपासना की मूरत की पशु उस लोग जतिने और, भी बोले मूरत की उस ताकि, है देता लगवा छाप एक पर माथे उनके या हाथ दहनि के सब, दास-सवतंतूर, दरदिर-धनी, बड़े-छोटे

न देन-लेन कोई और, हो अंक का नाम उसके या नाम का पशु उस अर्थात्, छाप वह पर जसि, छोड़ को व्यक्ती
I 13:14-17 प्रकाशतिवाक्य सके। कर

خاب، هيروديس، ده پادشاه امپراتوری روم و ده پادشاه سازمان ملل متحد، اژدهایی را نمایندگی می‌کنند که می‌رود تا با مقدسان جنگ کند؛ زیرا همواره این معشوقه ایزابل است که آزار و جفای کسانی را به انجام می‌رساند که ایزابل آنان را بدعت‌گذار طبقه‌بندی می‌کند.

«پس در حالی که اژدها، در معنای نخستین، نماینده شیطان است، در معنای ثانوی، نمادی از روم بت‌پرست نیز هست.» نبرد عظیم، ۴۳۹.

در زلزله قانون یکشنبه، «هفت هزار» مرد «کشته می‌شوند». در دانیال یازده و آیه چهل و یک آمده است که «بسیاری سرنگون می‌شوند». آنان که با فرا رسیدن قانون یکشنبه سرنگون می‌شوند، ادونتیست‌های لادقی روز هفتم‌اند که خود را برای بحران آماده نکرده‌اند. شماره «هفت هزار» بازماندگان قوم خدا را نمایندگی می‌کند. خدا در هنگام بحران کوه کرمل، که نمودار بحران قانون یکشنبه است، به ایلیا گفت که «هفت هزار در اسرائیل» هستند که در برابر بعل زانو نزده‌اند. رسول پولس بر این امر توضیح می‌دهد.

پس می‌گوییم: آیا خدا قوم خود را رد کرده است؟ حاشا. زیرا من نیز اسرائیلی هستم، از نسل ابراهیم، از سبط بنیامین. خدا قوم خود را که از پیش شناخته بود، رد نکرده است. آیا نمی‌دانید که کتاب درباره ایلیا چه می‌گوید؟ که چگونه در پیشگاه خدا بر ضد اسرائیل شفاعت کرده، می‌گوید: «خداوند، انبیای تو را کشته‌اند و مذبح‌های تو را ویران کرده‌اند؛ و من به تنهایی باقی مانده‌ام و در پی جان من هستند.» اما پاسخ خدا به او چه بود؟ «برای خود، هفت هزار مرد باقی داشته‌ام که زانوی خود را در برابر تمثال بعل خم نکرده‌اند.» همچنین در زمان حاضر نیز، باقیمانده‌ای بر حسب برگزیدگی فیض وجود دارد. رومیان ۱۱:۵-۵

الفاظ «هفت هزار» نمایانگر باقیمانده‌ای از قوم خداست، اما باید زمینه‌ای را که در آن به صورت نمادین شناسایی می‌شوند، در نظر گرفت. مردانی که در زلزله قانون یکشنبه سرنگون می‌شوند، باقیمانده ادونتیست‌های روز هفتم بی‌ایمان‌اند که در همان‌جا و در همان زمان، به اسارت بابل روحانی معاصر درمی‌آیند. در تاریخ نبوی اسرائیل باستان تحت‌اللفظی، هنگامی که بابل برای دومین بار از سه بار، اورشلیم را ویران ساخت، باقیمانده‌ای از «هفت هزار» مرد «زورآور» «از اهل آن سرزمین» به اسارت برده شدند.

او یهو یاقین را به بابل به اسیری برد، و مادر پادشاه و زنان پادشاه و مأموران و زورمندان زمین را؛ آنان را از اورشلیم به بابل به اسیری برد. و تمامی مردان دلیر، یعنی هفت هزار نفر، و صنعتگران و آهنگران، هزار نفر، همه آنان که نیرومند و شایسته جنگ بودند، ایشان را پادشاه بابل به بابل به اسیری برد. و پادشاه بابل، متنیا عموی پدرش را به جای او پادشاه ساخت، و نام او را به صدقیا تغییر داد. دوم پادشاهان 15:24-17.

هنگامی که مردان نیرومند اورشلیم در زلزله قانون یکشنبه سرنگون شوند، «وای سوم به زودی می‌آید. و فرشته هفتم نواخت.» وای سوم همان شیپور هفتم است که فرشته هفتم آن را می‌نوازد. در «ساعت» «زلزله» قانون یکشنبه—اسلام ضربه می‌زند!

یکی از ویژگی‌های اصلی اسلام در بلای نخست و دوم، این واقعیت تاریخی بود که شیوه جنگ آنان با تاکتیک‌های متعارف جنگی که در تاریخ، در زمانی که نقش نبوی خود را ایفا کردند، معمول بود، تفاوت داشت. شیوه جنگ آنان این بود که ناگهان و به گونه‌ای غیرمنتظره ضربه وارد کنند. واژه «assassin» از شیوه‌های عمل جنگاوران اسلامی در آن دوره از تاریخ گرفته شده است. حملات آنان

مانند کامیکازہ‌های ژاپنی در جنگ جهانی دوم بود. جنگاوران اسلامی هنگامی که هدف خود را ترور می‌کردند، انتظار داشتند که خود نیز کشته شوند. از این‌رو، یکی از رسوم رایج در میان این جنگاوران آن بود که پیش از حمله، برای آماده شدن برای مرگ، با حشیش خود را مست می‌کردند تا ترس از مرگ را فروبشانند. هنگامی که به قربانیان خود ضربه می‌زدند، این کار ناگهانی و غیرمنتظره بود، و اتکای آنان به حشیش برای رسیدن به حالت ذهنی مطلوب، همراه با حمله پنهانی، به سبب پیوند آن با واژه hashish، مبنای ریشه‌شناختی واژه «assassin» را پدید آورد.

سومین وای و شیپور هفتم «به‌زودی می‌آید.»

به همین‌سان، در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، رسول عهد «ناگهان» به هیکل خود آمد. خواهر وایت «ناگهانی بودن» آمدن رسول عهد را چنین تعریف کرد که آمدن او «غیرمنتظره» بود. بنابراین، هر چهار «آمدن»ی که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تحقق یافتند، غیرمنتظره و ناگهانی بودند.

«بازآمدن مسیح به‌عنوان کاهن اعظم ما به قدس‌الاقداص، برای تطهیر مقدس، که در دانیال ۸:۱۴ به نمایش گذاشته شده است؛ آمدن پسر انسان نزد قدیم‌الایام، چنان‌که در دانیال ۷:۱۳ ارائه شده است؛ و آمدن خداوند به هیکل خویش، که ملاکی آن را پیشگویی کرده است، همگی توصیف‌های یک رویداد واحدند؛ و این امر همچنین با آمدن داماد به عروسی، که مسیح آن را در مَثَل ده باکره در متی ۲۵ بیان کرده است، به تصویر کشیده شده است.» The Great Controversy, 426.

تمثیل ده باکره لفظ به لفظ دوباره دہرایا جاتا ہے؛ لہذا وہ تمام چار "آمدیں" جو 22 اکتوبر 1844 کو پوری ہوئیں، اتوار کے قانون والے زلزلہ میں پھر سے لفظ بہ لفظ پوری کی جائیں گی۔ باکروں کے تمثیل پر تبصرہ کرتے ہوئے، سسٹر وائٹ اُس گواہی میں اضافہ کرتی ہیں جو اُس ناگہانیت اور غیر متوقع پن کی شناخت کرتی ہے جس کی علامت اتوار کے قانون کے زلزلہ میں پائی جاتی ہے، اور جو عین تکمیل صیاح نصف اللیل ہے۔

objawia się w czasie kryzysu. Gdy gorliwy głos ogłosił o północy: „Oto oliwa, obłubieniec idzie; wyjdźcie mu na spotkanie”, śpiące panny zbudziły się ze swego snu i ujawniło się, kto poczynił przygotowanie na to wydarzenie. Obie strony zostały zaskoczone, lecz jedna była przygotowana na tę nagłą potrzebę, a druga okazała się nieprzygotowana. Charakter objawia się przez okoliczności. Sytuacje kryzysowe wydobywają na jaw prawdziwy kruszec charakteru. Jakies nagłe i nieoczekiwane nieszczęście, żałoba lub kryzys, jakaś niespodziewana choroba lub udręka, coś, co stawia duszę twarzą w twarz ze śmiercią, wydobędzie na jaw prawdziwą wewnętrzną istotę charakteru. Ujawni się, czy istnieje rzeczywista wiara w obietnice słowa Bożego. Ujawni się, czy dusza jest podtrzymywana przez łaskę, czy w naczyniu wraz z lampą jest oliwa,

«زمان‌های آزمایش برای همگان فرا می‌رسد. ما در زیر آزمون و محکی که از سوی خداست، چگونه رفتار می‌کنیم؟ آیا چراغ‌های ما خاموش می‌شوند؟ یا هنوز آن‌ها را فروخته نگاه می‌داریم؟ آیا به واسطه پیوند خود با او که سرشار از فیض و راستی است، برای هر وضعیت اضطراری آماده‌ایم؟ پنج باکره دانا نتوانستند سیرت خود را به پنج باکره نادان منتقل کنند. سیرت باید به وسیله ما، هر یک به‌طور فردی، شکل گیرد.» 17 Review and Herald، اکتبر 1895.

با وقوع زلزله قانون یکشنبه، ایالات متحده آمریکا دیگر پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدس نخواهد بود. باقیمانده هفت هزار نفری ادونتیست‌های لائودیکایی که خود را برای این بحران آماده نساخته‌اند، خصیصه‌ای را آشکار خواهند کرد که برای نشان وحش مهیا شده است. آنگاه اسلام ناگهان و به‌گونه‌ای

غیرمنتظره فرا می‌رسد، زیرا «وای سوم به زودی می‌آید» هنگامی که «فرشته هفتم» می‌نوازد!

چهار «آمدن» که همگی در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به انجام رسیدند، سپس تکرار می‌شوند. آمدن نخست، گشایش داوری را مشخص کرد، در تحقق دانیال باب هشت آیه چهارده. این امر، پیام فرشته اول را که اعلام می‌کرد «ساعت» داوری او فرا رسیده است، تأیید نمود. آن تحقق، «ساعت» زلزله را تمثیل می‌کند؛ ساعتی که با قانون یکشنبه آغاز می‌شود و همان «ساعت»ی است که در آن اسلام، به سبب تصویب قانون یکشنبه، «داوری او» را بر ایالات متحده فرود می‌آورد.

فرستاده عهد در باب سوم ملاکی، ناگهان به هیکلی آمد که آن را در طی چهل و شش سال، از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، برپا داشته بود، تا با «لاویان» تاریخ میلریتی داخل عهد شود. در زلزله قانون یکشنبه، فرستاده عهد ناگهان می‌آید تا به هیکل استخوان‌های خشک مردگان برخاسته داخل شود، تا با «لاویان» تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار داخل عهد گردد.

در زلزله قانون یکشنبه، پسر انسان نزد پدر می‌آید تا در تحقق دانیال باب هفت آیه سیزده، پادشاهی را دریافت کند، همان‌گونه که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ چنین کرد؛ زیرا در «ساعت» زلزله، «صداهایی در آسمان» شنیده می‌شود که اعلام می‌کنند: «پادشاهی‌های این جهان، از آن خداوند ما و مسیح او شده است، و او تا ابدالآباد سلطنت خواهد کرد. و آن بیست و چهار مشایخ که بر کرسی‌های خود در حضور خدا نشسته بودند، به روی درافتاده، خدا را پرستش کردند، و گفتند: تو را شکر می‌گوییم، ای خداوند، خدای قادر مطلق، که هستی و بودی و می‌آیی؛ زیرا قدرت عظیم خود را به دست گرفته‌ای و سلطنت کرده‌ای.»

در ساعت زلزله، هنگامی که داوری او فرارسیده است، و آن دو شاهد که پیش‌تر از همان کوچه‌ای که در آن به قتل رسیده بودند، قیام کرده‌اند، برمی‌خیزند. سپس، همچون لشکری عظیم، به آسمان برده می‌شوند، در حالی که باقیمانده هفت هزار آدونتیست لاودیکیه سرنگون می‌گردند. گندم دانا در همان‌جا و در همان هنگام از گران نادان جدا شده است. آنگاه مسیح پادشاهی خویش را دریافت می‌کند و شیپور هفتم نواخته می‌شود، که همان وای سوم نیز هست؛ وای‌ای که ناگهان و به‌گونه‌ای غیرمنتظره فرامی‌رسد، و سپس «امت‌ها» «خشمگین شدند، و غضب تو فرارسیده است.»

قومون کو غضبناک کرنا اسلام کا نبوتی کردار ہے، اور یہ زلزلہ کے وقت سے شروع ہوتا ہے اور انسانی مہلت آزمائش کے اختتام اور آخری سات آفتوں تک جاری رہتا ہے، جنہیں ان الفاظ کے ذریعے پیش کیا گیا ہے: "تیرا غضب آپہنچا ہے۔" ریاستہائے متحدہ میں سنڈے لا اور مہلت آزمائش کے اختتام کے درمیان، جہاں خدا کا غضب آخری سات آفتوں میں ظاہر ہوتا ہے—تیسری ہائے، جو اسلام کی ایک علامت ہے؛ ساتواں نرسنگا، جو اسلام کی ایک علامت ہے؛ اور قومون کا غضبناک ہونا، جو اسلام کی ایک علامت ہے—یہ تین علامتی گواہیاں فراہم کرتے ہیں کہ نصف شب کی پکار کا پیغام سنڈے لا کے وقت اسلام کی آمد کی تکمیل ہے۔

چنان‌کہ در آغاز جنبش میلریتی نیز بود، پیام «فریاد نیمه شب» اصلاح یک پیشگوی نافرجام بود. در تاریخ میلریتی، آنچه ناکام ماند، همان رویدادی بود که پیش‌بینی شده بود واقع شود. در آغاز تاریخ میلریتی، فیلادلفیایان پیشگوی نافرجام خود را عرضه کردند، زیرا خدا دست خود را بر خطایی در نمودار ۱۸۴۳ نگاه داشته بود.

در جنبش لانودیکیه در پایان Future for America، خدا هرگز دست خود را بر آن خطا نگذاشت. این دست‌های انسانی بود که حقیقت این‌که زمان دیگر نباید در کاربرد نبوی به‌کار رود، پوشاند. دست‌های انسانی نمایانگر اعمال انسانی است.

در جنبش پایانی صد و چهل و چهار هزار نفر، خطای به کارگیری زمان، گناه بود؛ زیرا کاربرد زمان نبوی دیگر نباید مورد استفاده قرار می گرفت. کاربرد گناه آلود زمان، به وسیله موسی که فرمان خدا را برای ختنه کردن پسرش نادیده گرفت، نمونه وار نشان داده شد؛ و نیز به وسیله عزا که فرمان خدا را مبنی بر این که فقط کاهنان می توانند صندوق عهد را لمس کنند نادیده گرفت، نمونه وار نمایان گردید. اراده خداوند نبود که هیچ یک از آن اعمال یا ترک اعمال گناه آلود به وسیله قوم خدا انجام شود. گناه تنها یک تعریف دارد، و آن تعدی از شریعت است. موسی از شریعت خدا درباره ختنه تعدی کرد، عزا از شریعت خدا درباره مقدس تعدی کرد، و این جنبش از شریعت نبوی خدا تعدی نمود. اسرائیل باستان امینان شریعت خدا قرار داده شدند، و جنبش ادونتیست نیز در آغاز و پایان خود امینان حقایق نبوی خدا قرار داده شد.

در پریشانی خود، صفوره بی درنگ خود عمل ختنه پسرشان را به جا آورد؛ و بدین سان نمایانگر توبه ای شد که کسانی که در این جنبش دخیل بودند می بایست فوراً به سبب بی عملی گناه آلود خویش در اجازه دادن به مرتبط شدن کاربرد زمان با آن پیام، ظاهر می ساختند. داود نیز به همان گونه برای عمل عزه توبه ای شدید آشکار می سازد. اینکه این جنبش استدلال کند که کاربرد زمان در پیشگویی 18 ژوئیه 2020 به نوعی درست بوده است، و اینکه somehow اراده خدا بوده است، در واقع به معنای آن است که موسی و صفوره حقیقتاً نیازی نداشتند فرامین صریح خدا را نگاه دارند، و اینکه خدا واقعاً اهمیتی نمی داد که آیا عزه به تابوت دست زده است یا نه. 18 ژوئیه 2020 پیشگویی ای کاذب بود، و عنصری که کاذب بود، عنصر زمان بود.

این حقایق در مقاله بعدی با تفصیل بیشتری بررسی خواهد شد.

mi-a arătat că solia îngerului al treilea trebuie să meargă și să fie proclamată 48"
copiilor risipiți ai Domnului și că nu trebuie legată de timp; căci timpul nu va mai fi
niciodată o probă. Am văzut că unii căpătau o emoție falsă izvorâtă din predicarea
timpului; că solia îngerului al treilea era mai puternică decât poate fi timpul. Am văzut
că această solie poate sta pe propria ei temelie și că nu are nevoie de timp ca s-o
întărească și că va merge cu putere mare, își va face lucrarea și va fi scurtată în
neprihănire." Experience and Views, 48"